



انترناسیونال

۱۹۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۶، ۴ مه ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

ابراز وجود قدرتمند و رادیکال کارگران در اول مه علیه جمهوری اسلامی در تهران

صفحه ۸

تعرض سکولاریسم
عقب نشینی
ارتجاع اسلامی
گفتگو با مینا احدی
و محمد آسنگران

صفحه ۴



نظارات گسترده و رادیکال کارگران در اول مه ۸۶ در تهران

پیام اصلی
اول مه امسال

شهلا دانشفر

صفحه ۳

معلمان در تجمعات سراسری خواهان آزادی همکاران خود شدند

صفحه ۸

۱۳ نفر از رهبران و فعالین کارگری دستگیر شدند!
تجمعات اعتراضی برای آزادی شدگان در سندج ادامه دارد

صفحه ۶

در باره
انتخابات فرانسه

حسن صالحی

صفحه ۵

کنگره ۶

۴ سؤال از اصغر کریمی
و فاتح بهرامی

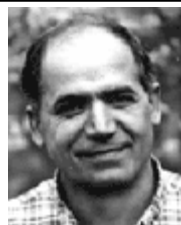


فاتح بهرامی

صفحه ۲

قرار داد. حزب عمیقا در روندهای
سیاسی در ایران شریک است و
عمیقا بر این روندها تاثیر
میگذارد و راه خود را به جلو باز

اهمیت سیاسی کنگره ۶ چیست؟
اصغر کریمی: کنگره حزب کمونیست
کارگری را باید در رابطه تنگاتنگ
با تحولات جامعه مورد ارزیابی



اصغر کریمی

انترناسیونال: با توجه به شرایط
بحرانی سیاسی در ایران، جایگاه و

اول مه ۸۶ آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۱۶ آذر، ۸ مارسها و اول مه ها بالای جان
جمهوری اسلامی سرمایه شده اند. حکومتی
که با جهلم ها سر کار آمد با ۱۶ آذرها و ۸
مارسها و اول مه ها به زیر کشیده خواهد
شد. و این سه روز، سمبل سه جنبش عظیم
پیشرو است: جنبش دانشجویان و جوانان،
جنبش زنان و جنبش کارگری. سه جنبشی
که لرزه بر پیکر فرتوت حکومت اسلامی
انداخته است. سه جنبشی که دارند
رادیکالتر میشوند، متحدتر میشوند و
سرعت برای برچیدن سباط این دمل چرکین
از زندگی مردم ایران و خاورمیانه و جهان
پیشروی میکنند.

آن شعارها، آن مطالبات و آن آرمانهایی
که مردم ایران در انقلاب ۵۷ برای تحققش
مبارزه کردند و جنبش اسلامی توانست در
جهلم ها غرقشان کند، امروز در ۱۶ آذرها و
۸ مارسها و اول مه ها با قدرت اعلام
موجودیت کرده اند.

به شعارهایی که در این سه سالگرد در
چند سال گذشته در صحنه سیاسی ایران
طنین افکندند خوب دقت کنید: یک نژاد
آنهم نژاد انسانی؛ آزادی برابری حق مسلم
ماست؛ نان و آزادی برای همه؛ این دنیای
وارونه را باید تغییر داد؛ یا سوسیالیسم یا
بربریت؛ سوسیالیسم پیا خیز، برای رفع
تبعیض؛ نه بمب، نه جنگ، نه تحریم؛ و ...
اینها گواه یک حقیقت شور انگیز است: در
دنیایی که نشو کنسرواتیسیم نظم نوینی از
یکطرف و جنبش مرتجع اسلامی از طرف

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **کنگره ۶...**

میکنند. چشم های زیادی به حزب دوخته شده است. این شرایط به این کنگره اهمیت سیاسی ویژه ای میدهد و انتظارات ویژه ای از آن طلب میکنند. کاظم نیکخواه و مصطفی صابر در شماره قبل انترناسیونال به روندهای سیاسی مربوط به حزب در ایران و جهان پرداخته اند با اینهمه اجازه دهید من هم به سهم خودم به اوضاع سیاسی و متحول ایران و رابطه آن با این کنگره اشاره ای بکنم. اتفاقات مهمی در جامعه ایران در جریان است. روزی نیست که اعتراض مهمی علیه این زندگی جهانی و علیه حکومت در جریان نباشد. دوره اعراب پایان یافته است. بخشهای وسیعتری از جامعه به مبارزه روی میاورند. شعارها و مطالبات سوسیالیستی و آزادیخواهانه همه جا مطرح میشوند. سرود انترناسیونال میخوانند، شعارهای آزادی برابری سر میدهند، بنیادهای این نظام غیرانسانی و وارونه را در ابعاد اجتماعی به نقد میکشند، و علیرغم بگیر و ببندها کوتاه هم نمی آیند. از نظر سیاسی دوره پرباری در تاریخ مبارزه مردم ستمدیده شروع شده است. رهبران جنبش های اعتراضی به شیوه تازه اعتراضات را رهبری میکنند و به زبان تازه ای حرف میزنند. دیگر مطلقاً از آن دوره ای که چپ و کمونیسم حاشیه ای بود و حداکثر گروه فشاری بر احزاب طبقات دیگر بود فاصله گرفته ایم. طبقه کارگر علیرغم فشارهای غیرقابل توصیف اقتصادی، تازه نفس تر از همیشه دارد به میدان میاید و اینرا مدیون رشد ایده ها و سنت های مبارزاتی کمونیستی کارگری است. رهبرانش از تیب فعالین ۵۷ نیستند. به میدان میایند، در پیشاپیش طبقه کارگر خواهان واژگون کردن این نظام ناعادلانه میشوند، توقع طبقه کارگر و مردم محروم از یک زندگی مرفه و انسانی را به زبان سوسیالیستی و با توده ای ترین زبان در مقابل دولت و طبقه حاکم قرار میدهند، تلاش میکنند علیرغم مخاطرات مختلف بعنوان رهبران جامعه خود را به دنیا بشناسانند، برای توده وسیعتری از مردم سخنرانی میکنند، آژیتاسیون میکنند، بیانیه میدهند، راههای اتحاد را بررسی میکنند. در دانشگاهها نسل جدیدی از چپ،

پخته، آبدیده، اجتماعی، و زمینی، د رعین حال رادیکال و سوسیالیست به سمت هژمونی اعتراضات توده های وسیع دانشجو گام برمیدارد، و جای خود را در دانشگاه و در جامعه باز میکند. توده عظیم معلمان علیرغم سرکوب مستمر، با عزمی راسخ تر به میدان میایند، سنت های گذشته را در پراتیک اجتماعی و اعتراضی خود به نقد میکشند و نسل جدیدی از رهبران سوسیالیست را در پیشاپیش صفوف این بخش از طبقه کارگر به جامعه عرضه میکنند. همین روند را کم و بیش در میان زنان معترض و برابری طلب، جوانان آزادیخواه، فعالین سیاسی و زندانیان سیاسی و حتی در زندان های عادی در میان زنان محکوم به اعدام میتوان مشاهده کرد. این بطور واقعی سیمای بخش پیشرو جامعه است. فاکتورهای دیگری هم باید به این تصویر اضافه کرد. جنبش عظیم برای سکولاریسم و علیه مذهب کمر رژیم را دارد میکشند، هرطرحشان را به شکست میکشاند و دو شقه شان میکند. قورمستان و فاشیست های آریائی، به حاشیه رفته اند. طرح های مختلف اپوزیسیون بورژوا یکی پس از دیگری از صحنه خارج شده است. پولهای زیادی را دولت آمریکا به بازار سیاست در ایران ریخت، گنجی ها و عبادی ها را در اروپا و آمریکا چرخاندند و تریبون بدستشان دادند اما در صحنه سیاست ایران و در مقابل سیر حوادث سرعت حاشیه ای شدند و از جانب مردم پس زده شدند. اینها نیز گوشه دیگری از تصویر سیاست در ایران است.

حساسند. علیرغم هر درجه اختلاف با حزب، تضعیف آنرا تضعیف خود میدانند، علیرغم هر نقدی به آن نوعی احساس مسئولیت در مقابل حزب نشان میدهند، یک گوشه چشمشان نقشی است که این حزب باید ایفا کند. در ایران آن طیف پیشروی که از آن صحبت شد، آن طیفی که در صف مقدم مبارزه، متعرض و بی وقفه دارد جلو صحنه ظاهر میشود، بیشتر به حزب روی میاورد و روی حزب حساب باز میکند. اینها واقعیات امروز جامعه و فاکتورهای اساسی در توصیف کنگره شش حزب است. اهمیت کنگره شش از این اوضاع و موقعیت ویژه حزب ناشی میشود.

انترناسیونال: این چهارمین کنگره حزبی است که علنی برگزار میشود. علت علنی برگزار کردن کنگره چیست؟
فاتح بهرامی: پس از سه کنگره علنی، طبیعی است که کنگره ششم نیز علنی باشد. حزب کمونیست کارگری حزب طبقه کارگر برای تغییر بنیادی وضع موجود است. کارگران و مردمی که برای رهائی و تغییر وضع موجود به این حزب امید بسته اند لازم است بدانند که در این اوضاع خطیر حزب چه میخواهد بکند. کنگره، بعنوان عالیترین ارگان و مجمع حزبی، که خط مشی و جهت سیاسی پیش روی حزب را تعیین میکند، باید علنی باشد تا اکثریت عظیم مردم را در سیاست و مشغله و تلاش خود شریک کند. این صف عظیم مردم آزادیخواه و مساوات طلب باید از مباحث و پیام کنگره، از دغدغه ها و پیشرویها و مشکلات پیش روی حزب، و از جهتگیری رو بجلو حزب که به آینده جامعه و نقش حزب برای رهبری جنبش انقلابی در شکل دادن به این آینده مربوط است، مطلع باشند. هر کس میتواند در کنگره شرکت کند، نمایندگان اپوزیسیون و خبرنگاران را دعوت میکنیم، فیلم جلسات کنگره پخش میشود و لذا بحث و جدل و نحوه تصمیم گیری و رای گیری و انتخابات و غیره قابل رویت است. کنگره علنی است برای اینکه این حزب متعلق به اکثریت عظیم مردم آزادیخواه است.

انترناسیونال: مهمترین موضوعاتی که ضروری است در کنگره ۶ مورد بحث و تصمیم گیری قرار گیرند چه هستند؟ از نظر شما، توجه کنگره

باید روی چه مسائلی متمرکز شود؟
فاتح بهرامی: در یک سطح کلی و عمومی کنگره باید روی مهمترین مسائلی که مقابل جامعه ایران قرار دارد تمرکز کند و راه نشان دهد و فراخوان بدهد. در این رابطه، چه در ایران و چه در سطح بین المللی، با تحولات سیاسی جدی و تعیین کننده بر سر زندگی مردم و تعیین تکلیف با نیروهای دخیل در این تحولات مواجه هستیم که جایگاه سیاست و پراتیک حزب در آنها بسیار مهم و تعیین کننده است. در ایران، از یکسو رژیم اسلامی سرمایه هنوز سر کار است که محصول آن تباه شدن و نابودی زندگی مردم بوده، و از سوی دیگر یک جنبش عظیم سرنگونی طلبی برای بگور سپردن این حکومت هر روز قدرتمند تر و چپ تر بجلو میاید. در سطح بین المللی نیز جدال بین دو قطب تروریسم دولتی آمریکا و متحدینش از یکطرف و تروریسم اسلام سیاسی از طرف دیگر همچنان ادامه دارد و از انسانها قربانی میگردد، و بر متن این جدال عراق و فلسطین و افغانستان و لبنان به محل کشتار مردم و تاخت و تاز ارتجاعی ترین نیروهای دست راستی در هر دو سو بدل شده است. در طرف مقابل، در خود غرب با نشانه هایی از یک موج برگشت و مقابله با توحش هر دو قطب تروریستی و علیه مداخلات و آوانسهای دولتهای غربی به مذهب و بخصوص اسلام سیاسی روبرو هستیم. و بالاخره در متن همین دو روند در ایران و در سطح بین المللی یک مساله اساسی تهدید جنگ و احتمال حمله نظامی به ایران و تحریم اقتصادی از سوی آمریکا و متحدین آن و ایجاد فضای جنگی توسط آمریکا و جمهوری اسلامی هر دوست. کل این فضا و وضعیت، تاکنون علاوه بر تشدید فشار اقتصادی به مردم، سایه شوم جنگ و عوارض ناشی از آنرا بالای سر مردم گذاشته است. مجموع این وضعیت اساسی ترین معضل و سوال در مقابل جامعه است، راه مقابله با جنگ و توحش دو قطب تروریستی و خلاصی مردم ایران از شر جمهوری اسلامی چیست؟ حزب چه پاسخی دارد و چکار میکند؟ کلید به شکست کشاندن سیاستهای نظم نوینی آمریکا و توی قفس کردن اسلام سیاسی کدام است؟ کنگره حزب باید روی این سوالات و مسائل اساسی جامعه تمرکز کند و راه نشان

دهد. این مجموعه ای بحث و سند را برای تصمیم گیری در کنگره ضروری میکند. خود حزب، بعنوان فاکتور تعیین کننده ای که پیروزی کمونیسم به آن گره میخورد و پیروزی انقلاب کارگری و تصرف قدرت سیاسی را باید تضمین کند یک موضوع مهم دیگر کنگره باید باشد، باید بر ضرورت تحزب کمونیستی برای ایفای نقش حزب در این شرایط خطیر تاکید کند. نقش تاریخساز طبقه کارگر در تحولات آتی و ملزومات ایفای این نقش باید مجدداً تاکید شود، کنگره باید راه عبور طبقه کارگر از وضعیت موجود و ظاهر شدن در قامت نیروی اصلی جنبش انقلابی و برافراشتن پرچم سوسیالیستی و رهائی کل جامعه را نشان دهد. در کنار این مسائل مهم، همچنین لازم است کنگره به نقش و تحرکات اپوزیسیون بورژوازی و جریانات ضد جامعه و سناریو سیاهی بیردازد و راه خنثی کردن این تحرکات را نشان دهد. در یک کلام کنگره باید در متن شرایط خطیر و حساس امروز مسائل گرهی بر سر راه پیروزی مردم و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برپائی جمهوری سوسیالیستی را جواب بدهد.

انترناسیونال: در آستانه برگزاری کنگره ۶ و در رابطه با این کنگره، فراخوانستان به اعضا و کادرها، دوستداران حزب و کسانی که به سرنوشت حزب کمونیست کارگری علاقمندند چیست؟
اصغر گویمی: دوره تحرك سیاسی و توده ای، و دوره جدیدی از تحزب در ایران شروع شده است. این اوضاع به انرژی همه ما، به قابلیت های تك تك ما، به كمك تك تك ما احتیاج دارد. یکی از رهبران کارگری که در اول مه امسال توسط جمهوری اسلامی به اسارت گرفته شد، از فرصتی استفاده کرد تا این پیام را به بیرون زندان بفرستد که نگران ما نباشید، به کارتان ادامه دهید. این روحیه عمومی جامعه است. و در عین حال انتظار از حزب را بیان میکنند. این کنگره باید آن روحیه را نمایندگی کند. باید اول مه امسال را نمایندگی کند. باید مبارزه با جنگ و دندان معلمان و کارگران را نمایندگی کند. باید ۱۶ آذر و ۲۰ آذر دانشگاهها و خاوران و هشت مارس را نمایندگی کند. باید مبارزه خستگی ناپذیر

پیام اصلی اول مه امسال

" ما انرژی هسته ای نمیخواهیم، دستمزد ۱۸۳ هزار تومان هم نمیخواهیم، ما کار نمیکنیم که زندگی کنیم، زندگی نمیکنیم که کار کنیم."

اول مه امسال اتفاقات مهمی افتاد. بار دیگر کارگران مراسم دولتی را برهم زدند و آترا به صحنه قدرتمندی خود تبدیل کردند. بیش از هشت هزار کارگر در ورزشگاه شیرویی بساط مزدوران خانه کارگر و شوراها اسلامی را در هم پیچیدند و با شعار و پلاکاردهایشان مراسم را از آن خود کردند. کارگران در همان نیمساعت اول کاری کردند که مراسم دولتی بر هم بریزد و محجوب و صادقی و دیگر سران خانه کارگر و شوراها اسلامی را فراری دادند.

در اول مه امسال شعارها و پلاکاردهای بسیاری برپا شد که مهر چپ و کمونیسم را بر خود داشت. اما به نظر من پیام اصلی اول مه امسال در پلاکاردی بود که بر آن نوشته شده بود: "ما انرژی هسته ای نمیخواهیم، دستمزد ۱۸۳ هزار تومان هم نمیخواهیم، ما کار نمیکنیم که زندگی کنیم، زندگی نمیکنیم که کار کنیم". در این شعار ما کمونیسم، چپ، رادیکالیسم و پیام کارگران و مردم ایران به جهان را میدیدیم. این شعار بیش از هر چیز از سوسیالیسم و از جامعه ای که در آن کار انسانها نه منشا استعمار بلکه منشأ رفاه و زندگی بهتر برای همه است حکایت داشت. کارگران با این پیام "نه" خود را به جمهوری اسلامی و انرژی اتمی اش و به دو قطب تروریست جهانی اعلام داشتند. در

واقع این صدای اعتراض کارگران و مردم ایران و ستون اصلی آن جبهه سومی بود که در اول مه امسال در ایران قدم علم کرد و پرچم بشریت متمدن را در سطح جهانی بلند کرد. بلند شدن این شعار یک اتفاق سیاسی مهم در ایران بود که بیش از پیش طبقه کارگر را به جلوی صحنه سیاسی جامعه کشاند. این صداییست که باید بعد از اول مه رساتر از همیشه در جهان طنین اندازد.

اول مه امسال

و مراسم مستقل کارگری

کارگران امسال بر سر برپایی مراسم مستقل کارگری مصمم بودند. اما یک معضل قابل مشاهده در اول مه امسال کشاکش دو گرایش چپ و راست در مقابل یکدیگر و انعکاس آن به شکل تشتت در میان رهبران و فعالین کارگری و دست اندازکاران و سازماندهندگان آن بود. در اول مه امسال ما شاهد گرایشی بودیم که علیرغم فضای رادیکال جامعه، علیرغم توازن قوای سیاسی موجود، تلاش داشت مراسم را به داخل سالن ها بکشاند. گرایشی که بدنبال مجوز و رایزنی با خانه کارگر و غیره بود. و گرایش دیگر بر برپایی این روز در خیابانها و بصورت راهپیمایی تاکید داشت. از تجمع در مقابل وزات کار و مجلس و غیره سخن به میان بود. این سایه روشن ها تاثیر خود را بر تصمیم متحد کارگران برای تدارک برنامه مستقل کارگری در این روز گذاشت. بویژه سندیکای شرکت واحد با کشیدن مراسم خود به سالن



شلا دانشفر

باختران، عملاً تصمیم گیری در مورد مراسم مستقل کارگری و دست زدن به یک عمل متحد و یک قدرتمندی وسیع کارگری را مشکل کرد. بدین ترتیب از یکسو مقابله رژیم با هر حرکت مستقل از سوی کارگران و از سوی دیگر متفرق شدن محل برگزاری تجمعات، کارگران را به این تصمیم رساند که با تمام قوا به محل مراسم خانه کارگر بروند و این مراسم را برهم زنند و همین کار را نیز کردند. کارگران با این کار خود درس بزرگی به گرایشات مصلحت گرا نیز دادند. در این مراسم کارگران با ابتکار جالب خود و کشیدن پارچه سیاه بر روی تابوتی که بر روی آن نوشته شده بود "قانون کار جمهوری اسلامی" در واقع همه این گرایشات و تلاشهایشان برای منحصر کردن مبارزات کارگران به تغییر در فصول قانون کار و در چهارچوب مقابله نامه های سازمان جهانی کار را به خاک سپارند. کارگران در این حرکت اعتراضی نه تنها بی اعتباری خانه کارگر و شورای اسلامی بلکه پایان عمر آنها را اعلام داشتند.

در ادامه همین تلاش ها ما در شهرهای دیگر از جمله سنندج و کرمانشاه شاهد برپایی مراسم مستقل کارگران بودیم و در سنندج دیدیم که نیروهای انتظامی رژیم به صف کارگران حمله بردند و آنها را بلندتر برافراشته باشد. تحولات جامعه ایران نیاز به حزبی آماده، حاضر در همه جا، دارای حرف روشن، افق روشن و در عین حال پرقدرت نیاز دارد. کنگره ششم محل تجلی این حزب است. کنگره شش سرآغاز روحیه ای تازه برای ایفای نقشی تازه توسط حزب طبقه کارگر است. شرط برپایی چنین کنگره ای ایفای نقش تک تک حزبی ها اعم از دوستداران، اعضا و کادرهای حزب است. آن نیروی که همیشه به پیوستن به اتخاذ سیاست ها و شعارهای رادیکال و سوسیالیستی فرامیخواندیم روز بروز بیشتر وارد صحنه سیاست در ایران میشود. در

زیر ضرب و شتم قرار دادند و تعدادی از آنها نیز دستگیر شدند که هم اکنون ۶ نفرشان همچنان در زندانند.

یک ارزیابی

۱- اول مه امسال چپ و رادیکال بود. یک جنبه مهم اول مه امسال فراخوان جهانی و بین المللی آن بود. کارگران در ورزشگاه شیرویی مراسم را بدست گرفتند و این چپ و کمونیسم بود که با شعارهایش و با پلاکاردهایش رنگ خود را به این مراسم زد. شعارهای مرگ بر سرمایه، مرگ بر حامی سرمایه، آزادی برابری اینست شعار مردمی، از جمله شعارهایی بود که در این مراسم و در مسیری که کارگران به میدان هفت تیر میرفتند طنین انداخته بود و بیانگر صدای اعتراض کارگران به وضع موجود و به توحش سرمایه بود. همچنین در همانجا در گوشه ای دیگر از این جمعیت شعار آزادی برابری حکومت کارگری سر داده شد. نفس دادن این شعار و تکرار آن از سوی بخشی از جمعیت، بیانگر توازن قوای امروز جامعه است که در آن چپ جلو می آید و در اجتماعی بزرگ آنهم در اول مه این شعار را سر میدهد. دادن این شعار بطور واقعی نوید دهنده اوضاعی است که جامعه به آن سمت میرود. و همین چپ پرچمهای آترا قبلاً در ۱۶ آذر با شکوهی که پشت سر گذاشتیم برافراشته بود. این ادامه ۱۶ آذر و ادامه شعار سوسیالیسم یا بربریت است که امروز با شعار آزادی برابری حکومت کارگری دارد آلترا تئوی خود را فریاد میزند. این شعار نوید دهنده آمدن طبقه کارگر جلوی صحنه سیاسی جامعه است و دارد راه در

مقابل جامعه قرار میدهد. این شعار و همه آن چیزی که در اول مه امسال اتفاق افتاد پرچم روشنی در مقابل کل جامعه قرار میدهد و آن "آزادی برابری حکومت کارگری" است.

۲- تاکید بر همبستگی کارگران با معلمان و دانشجویان در اول مه امسال حضور بخش های دیگر جامعه از جمله معلمان، دانشجویان و زنان همانند همیشه چشمگیر بود. شعارهای کارگر معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد؛ کارگر زندانی آزاد باید گردد؛ محمود صالحی آزاد باید گردد؛ معلم زندانی آزاد باید گردد؛ شعارهایی بودند که در طول حرکت و مدام شنیده میشدند و بر یک همبستگی وسیع بین اعتراض بخش های مختلف جامعه تاکید داشتند.

۳- خواست افزایش دستمزدها یک خواست محوری اول مه امسال بود. این را در پلاکاردها و در شعارها میدیدیم، ما انرژی هسته ای نمیخواهیم؛ دستمزد ۱۸۳ هزار تومان نیز نمیخواهیم؛ زندگی شایسته انسان حق ماست؛ از جمله شعارهایی بود که اعتراض کارگران را به وضع موجود بیان میکرد. این خواستی است که امروز نه تنها کارگران بلکه معلمان و بخش های مختلف جامعه آترا فریاد میزنند. اول مه امسال در واقع پیامی بود برای این خواست متحد سراسری. این آن خواستی است که میتوان امروز بعد از اول مه بدست گرفت و کل جامعه را حول آن متحد کرد.

اول مه امسال تمام شد اما پرچم آترا باید برافراشته نگاهداشت.*

تجربه تک تک آنها نیاز دارد. به فعالیت سازمانیافته تک تک این رفقا نیاز دارد. تحولات سیاسی در جامعه دارد همه آنها را به کار سازمانیافته، به تقویت این مبارزات، به قرار گرفتن در کنار یکدیگر فرامیخواند. من نیز همه این دوستان عزیز را به کنگره ششم حزب فرامیخوانم.*

کنگره ششم حزب همه ما باید این روحیه را با عزمی راسخ، یکپارچه، آماده و مصمم نمایندگی کنیم و حزب را آماده تر از همیشه برای پاسخگویی به نیاز تاریخی طبقه کارگر و سرنوشت کمونیسم مهیا سازیم.

در پاسخ به سوال اول به طیف وسیعی از کمونیستها و چپهایی که بدلائل مختلف به حاشیه رفته اند و یا فعالیت سازمانیافته و حزبی ندارند اشاره کردم. اینجا میخواهم به آنها فراخوان دهم که در کنگره حزب شرکت کنند. در مباحث ایندوره حزب شرکت کنند. بیش از هر زمان طبقه کارگر و کمونیسم به توانائی و

از صفحه ۲ کنگره ۶ ...

کارگران کشت و صنعت و کاغذسازی، کارگران کاشان و قزوین و سنندج را نمایندگی کند. منصور حکمت در کنگره سوم حزب خطاب به حزبی ها گفت هرکاری دارید برای مدتی کنار بگذارید حزب به انرژی تک تک شما در این دوره متحول نیاز دارد و من میخواهم بر همان پیام اینجا تاکید کنم. اولین قدم شرکت وسیع در کنگره است. باید دست دوست و آشنای سیاسی خود، دست خواهر و برادر و پدر و مادر خود را بگیرد و به کنگره حزبش بیاورد تا در جریان مباحث کنگره، قطعنامه

به
حزب کمونیست
کارگری پیوندید!



محمد آسنگران

زیرا از این مذهب خارج شده است یا اصلاً مسیحی نیست. علاوه بر این مذاهب در مدارس همچنان تدریس میشوند. سبلمهای مذهبی همچنان در مدارس حمل و یا نصب شده اند. کلیسا در مورد هر اتفاق سیاسی و اجتماعی در رسانه های خبری سهمی دارد و به عنوان نماینده مصلحت جامعه اظهار نظر میکند و تاثیرش را میگذارد. مرجع مورد مراجعه رسانه های عمومی در مورد مسایل سیاسی و اجتماعی در اکثر کشورهای اروپایی، کلیسا، مساجد و دولت هستند. هر سه ضلع این مثلث هر کدام به "نماینندگی" از جانب پیروان مذهب خاصی و یا منافع "عمومی" اظهار نظر میکنند و افکار جامعه را شکل میدهند. این روند بویژه بعد از جهان دو قطبی به نفع مذاهب متحول شد. در کشورهای بلوک شرق نقش کلیسا حتی بیشتر از نقش آن در کشورهای غربی برای تحمیق مردم مشاهده میشود. هنگامی که نقش کلیسا بیشتر شد، جریانهای اسلامی فضایی بهتری برای ایفای نقش اجتماعی پیدا کردند. مخصوصاً با گسترش نفوذ و تاثیر این جنبش در بخشی از کشورهای اسلام زده و حاکمیت آن در کشور مهم و بزرگی مثل ایران و حمایت تاریخی دولت‌های غربی از این جنبش، جریانهای اسلامی وارد فاز سهم خواهی بیشتر شدند. سهم خواهی اسلام سیاسی تنها به کشوری محدود نیست که ادعای حاکمیت و یا سهمی از قدرت در آنها را دارند. بلکه در کشورهای غربی هم تلاش گسترده‌ای برای اعمال نفوذ، تغییر قانون و یارگیری میکنند. این تحولات الیت روشنفکر جوامع غربی را به فکر فروبرد. و فاجعه انفجار ساختمان دوقلوی نیویورک شوک عمیقی به جامعه وارد کرد و متوجه شدند که سازش با اسلامیهها و مذهب دارد جامعه را به فقرا میرسد. این شوک دردناک چند سالی طول کشید که جامعه به یک تحرک وسیع و عمیق سکولار و

تعرض سکولاریسم، عقب نشینی ارتجاع اسلامی گفتگو با مینا احدی و محمد آسنگران



مینا احدی

امتیاز گرفتن پررورتر میشوند. مردم در آلمان در هر حال از سیاست دولت آلمان و از رفتار سازمانهای اسلامی، ناراضی هستند. فقط نبود یک صدای اعتراض و یک آلترناتیو در مقابل این بن بست، باعث میشد که راستها و راسیستها و فاشیستها از این وضعیت سود ببرند و فضای "ضد خارجی" و یا "ضد مسلمانان" زمینه رشد پیدا کند. امروز اوضاع متفاوت است. امروز جنبشی و حرکتی وجود دارد که به هر دو این جبهه ها نقد دارد. به دولت آلمان، به راسیسم دولتی و به سازمانهای ترور و وحشت اسلامی. جبهه ای که از مدنیت و تمدن و سکولاریسم و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش دفاع میکنند. و این صدا مورد توجه عمومی قرار گرفته است. ما در مقابل تاکتیکهای اسلامیهها و دولت آلمان، ایستاده ایم و از حقوق شهروندی دفاع کرده و خواهان ملغی شدن و باطل شدن مهر "مسلمان" بر پیشانی چند میلیون نفر انسانی هستیم که برای زندگی کمی بهتر و رفاه و آزادی کمی بیشتر به آلمان آمده اند.

انترناسیونال: لطفاً موقعیت جنبش سکولاریستی و جنبش اسلامی در جهان بعد از این کمپین چه تاثیراتی در موقعیت این دو جنبش گذاشت است؟

محمد آسنگران: اجازه بدهید قبل از وارد شدن به تاثیرات این کمپین به مشاهداتی واقعی بپردازم که ممکن است کمک کند تاثیر و جایگاه این کمپین را بهتر توضیح دهم. واقعیت این است که دولت و قوانین و آموزش و پرورش سکولار و جدا از کلیسا در اروپا در کمتر کشوری بطور کامل حاکم و اجرا میشود. کلیسا هنوز قدرت زیادی در قوانین دارد. برای مثال تاجایی که من میدانم در آلمان و اتریش هر شهروندی که شغلی داشته باشد بدون اجازه از او و اتوماتیک مبلغی مالیات از حسابش کم میشود و به حساب کلیسا واریز میگردد. مگر اینکه از کلیسا خارج شود و یا رسماً اعلام کند که مالیات به کلیسا نمیدهد

قبل خود را مبنی بر اینکه جریانهای اسلامی چند میلیون مردم منتسب به اسلام را نمایندگی میکنند تکرار نمیکند. آنها ناچار شده اند اکنون بگویند این جریانهای اسلامی نماینده و سخنگوی همه "مسلمانان" نیستند. جنبش وسیع و سراسری سکولارها علیه تسلط اسلامیهها در ترکیه فضا را بر اسلامیهها بیشتر تنگ کرده است. مدتی قبل هنگامی که ارتش ترکیه گفته بود اگر لازم باشد در مقابل اسلامیهها کودتا میکنند، در تظاهرات وسیع مردم ترکیه همین هفته گذشته شعار علیه اسلامیهزه کردن جامعه و علیه کودتا همه گیر شد. رسانه های خبری همه اعلام کردند که این جنبش سکولار در ترکیه از جانب سازمانهای غیر دولتی و چپها فراخوان داده شده بود.

انترناسیونال: کمپین "ما از مذهب رویگردانیم" در مقابل تاکتیک اسلامیهها و دولت آلمان چه برنامه هایی را در دستور دارد؟

مینا احدی: ما بطور واقعی وارد یک جنگ با اسلام سیاسی در یکی از مهمترین مراکز آن در اروپا شده ایم. آلمان کشور مهمی است. دولت آلمان روابط حسنه ای با دولت‌های اسلامی داشته و دارد و منافع زیادی در ایران و ترکیه و عراق و کل منطقه خاورمیانه دارد. سیاست اینها بقول خودشان "دیالوگ انتقادی" بوده است. کنار آمدن با اسلام سیاسی و مماشات با این جنبش سیاه و ارتجاعی و چشم فرو بستن به جنایات بیشمار اینها در کشورهای اسلام زده و در خود آلمان سیاستی بوده است که در جامعه تاثیرات مخربی داشته است. امروز دولت آلمان از ترس ترور و دست اندازی اسلامیهها به خود حاکمین در آلمان، با اینها سر میز مذاکره می نشینند و سعی میکند با دادن امتیاز آرامشان کند تا در آلمان کاری نکنند که باعث تنش شدید در افکار عمومی و تضعیف دولت شود. مثلاً بمب گذاری نکنند و مردم را در قطار و اتوبوس به قتل نرسانند چرا که این واقعه بحثهای زیادی را دامن زده و احیاناً باعث سقوط دولت میشود این جریانهای اسلامی با

کردند و اعلام کردند که منافع مشترکی دارند و یک سخنگو انتخاب کرده اند و میخواهند از این طریق، هم با دولت وارد مذاکره شوند و هم از منافع خود دفاع کنند.

انترناسیونال: واکنش دولت آلمان چیست؟

محمد آسنگران: دولت آلمان سیاست مماشات جوانه خود را با سازمانهای اسلامی همچنان ادامه میدهد. تلاش میکند که جریانهای اسلامی "سیاسی کار" (یا همان شاخه سیاسی جنبش ارتجاعی و ضد انسانی که شاخه نظامی آن ترور میکند) را مهار شده و نوع خوب اسلام ساسی به جامعه معرفی کند. دول غربی سیاستی را دنبال میکنند که در میان این جنبش ارتجاعی دنبال نوع نرمتر و یا رام شده آن که به مدال لیبرال و دمکرات هم مزین میشوند، میگردند. با ادامه این سیاست اکنون دولت آلمان تلاش میکند با این جریانهای اسلامی کنار بیاید. زیرا فکر میکند که با کنار آمدن با شاخه سیاسی این جنبش از تعرض شاخه نظامی و تروریست آن در امان خواهد بود. لازم به توضیح است که دیگر دولت‌های غربی هم همین سیاست را در قبال جریانهای ارتجاعی اسلامی دنبال میکنند. در حالی که همه میدانند شاخه سیاسی جنبش اسلامی زمینه رشد و گسترش نوع مهار نشده و تروریست آن را فراهم کرده است. برای دول غرب مهم نیست که زنان و کودکان مورد تعرض این جنبش ارتجاعی قرار بگیرند. مهم نیست که سر کودکان خرد سال حجاب کنند و بالاخره مهم نیست که فرهنگ ضد زن و ناموس پرستی و قتل ناموسی اتفاق میفتد. مهم این است که منافع این دولت‌ها با این سیاست میتواند همچنان در همکاری و هماهنگی با دولت‌هایی از نوع جمهوری اسلامی تامین شود. اما بعد از اتفاقات اخیر در آلمان دولت ناچار شده است که با احتیاط بیشتری رفتار کند. بویژه با گسترش اعتراض علیه اسلامیهها در ترکیه و تظاهرات جریانهای سکولار فضای آلمان هم تا حدودی تغییر کرده است. اکنون مقامات دولتی حرف دو ماه

انترناسیونال: کمپین "ما از مذهب روی گردانیم" در آلمان، واکنش وسیع بین المللی را برانگیخته است. میدان را از بیکه تازی جریانهای اسلامی گرفته است. موجب تحرك در میان انسانهای سکولار و طرفدار جدایی دین از نهادهای دولتی و آموزشی شده است. واکنش جریانهای اسلامی و تاکتیکیشان برای دفاع از خود در مقابل این کمپین چیست؟

مینا احدی: سازمانهای اسلامی در موقعیت کاملاً جدیدی قرار گرفته اند. تا قبل از کمپین ما، اینها بیکه تازی میدان بودند. با همراهی دولت آلمان، اعلام شده بود که در آلمان سه و نیم میلیون نفر "مسلمان" زندگی میکنند، که هویت اصلی آنها مسلمان بودن آنها است! گفته میشد این مسلمانان را سازمانهای اسلامی نمایندگی میکنند! برای انتگره کردن این مسلمانان دولت آلمان کنفرانس "اسلام" سازمان داده و با اینها وارد مذاکره رسمی شده بود. جالب است که در کنفرانس اسلام با هدف "انتگراسیون" در مورد ذبح اسلامی حیوانات، در مورد ساختن مساجد بیشتر و تحمیل حجاب به زنان و جدا سازی بچه های دختر و پسر و تدریس مذهب در مدارس صحبت شده بود و این شوی مشتمل کننده به اسم انتگراسیون تحویل جامعه داده میشد. از نظر من کل این سیاست، در حقیقت انتگره کردن اسلام و اسلام سیاسی در جامعه آلمان است. الان قسمت سوم این کنفرانس روز دوم ماه مه در برلین تشکیل شده است. این بار در بسیاری از تلویزیونهای آلمان و مطبوعات و رسانه ها، ما را دعوت کرده اند با نمایندگان دولت و نمایندگان سازمانهای اسلامی، در مورد انتگراسیون و اعتراض و انتقادات ما به این سیاست دولت آلمان و اعتراض ما به سازمانهای اسلامی، در روز دوم ماه تلویزیونی و یا مصاحبه با رادیوهای آلمانی، شرکت کرد. اما یک واقعه مهم دیگر در ده روز اخیر، اعلام وحدت چهار سازمان بزرگ اسلامی در آلمان بود. اینها با هم وحدت

نیاز به یک تغییر بنیادی! در باره انتخابات فرانسه



حسن صالحی

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه روز ۶ ماه می برگزار می شود. اینبار نیکولا سرکوزی از ائتلاف "اتحاد برای جنبشی مردمی" و سگولن رویال از حزب سوسیالیست در مقابل هم قرار خواهند گرفت. در مرحله اول انتخابات، ماری لوپین رهبر و بنیانگذار جبهه ملی فرانسه - یک حزب تماما راسیستی و خارجی ستیز - حذف شد. بر خلاف انتخابات سال ۲۰۰۲ که لوپین بنا به دلایل مختلفی و منجمله ناراضیاتی مردم از حاکمان وقت و بی افقی رای دهندگان، توانست به مرحله دوم انتخابات راه پیدا کند، اینبار او در همان دور اول شکست خورد و حذف شد. یک دلیل این امر البته جلب آرای بخشی از طرفداران لوپین از سوی ائتلاف "اتحاد برای جنبشی مردمی" بود که بخشا همان حرفهای جبهه ملی فرانسه را تکرار می کند. و دلیل دیگر البته نگرانی مردم از رشد احزاب راسیستی در صحنه سیاست فرانسه است. این فاکتور دوم بخشا میزان شرکت مردم در انتخابات را نیز توضیح می دهد.

"جدایی کامل از گذشته"، "اصلاحات اقتصادی اساسی" و "عدالت اجتماعی" از جمله شعارهایی هستند که رقبای باقیمانده در انتخابات فرانسه وعده انجام و برقراری آن را به مردم می دهند. کاملا قابل فهم است. جامعه ای که سالیان متمادی از حاکمیت سیاسی طبقه حاکم خسته شده است نیاز به یک گسست دارد. جامعه ای که حقوق و دستاوردهای اقتصادی شهروندان مرتباً مورد تعرض قرار داشته است، تشنه تغییر است تا بر این روند سد بزند. و عدالت اجتماعی شعاری است که تبعیضات و شکافهای عمیق اقتصادی و اجتماعی، برقراری آن را فریاد می زند. سرکوزی و رویال هر دو بر شعارهایی تاکید می گذارند که

جامعه البته با روایتی کاملاً متفاوت طالب آنها هستند ۱. آنها خود را در سطح، به تمایلات مردم نزدیک می کنند تا در موقع انتخابات رای کسب کنند و سپس همان صفحه قدیمی را بگذارند. **Laurent Joffrin** لیبراسیون درست نوشته بود که "فرانسه نیازمند تغییر است" و "مردم از ایت سیاسی کشور خسته شده اند!" اما سؤال این است که این تغییرات کدامند و کدام نیروی تازه باید بر مسند قدرت بنشیند؟ تا آنجا که به نیکولا سرکوزی و ائتلاف "اتحاد برای جنبشی مردمی" بر می گردد، تغییری که آنها می خواهند ایجاد کنند اینها هستند: آزادی عمل بیشتر برای سرمایه داران، جراحی بزرگ برای خلاص شدن از مخارجی که سیستم تامین اجتماعی و بازنشستگی روی دست نظام سرمایه داری می گذارد، راسیسم و خارجی ستیزی بیشتر در سیاست رسمی دولتی و تداوم وضعیت فقر، بیکاری و تبعیض که شورش عظیم حومه نشینان شهرهای فرانسه در پاییز ۲۰۰۵ را موجب شد. تا آنجا که به حزب سوسیالیست فرانسه بر می گردد البته که تفاوتی وجود دارد. به نظر می رسد که نگرانی از راست افشار گسیخته بیشترین نیروهای چپ را به دور رویال و حزب سوسیالیست جمع کرده است. اگر صحبت فقط بر سر انتخابی از میان تنها آلترناتیوهای موجود باشد، طبیعی است که بسیاری از مردم آزادیخواه و شریف حزب سوسیالیست رویال را نسبت به "اتحاد برای جنبشی مردمی" سرکوزی ترجیح می دهند. نه به این دلیل که دیوار بزرگی این دو حزب را از همدیگر جدا می سازد. نه! فقط به این خاطر که هنوز نام سوسیالیسم با آرزوهای انسانی بخش اعظم جامعه

از صفحه ۱ ستول اول

دیگر مردم جهان را در آتش مذهب پرستی و قوم پرستی و راسیسم و نابرابری و خفقان به گرسنگی و مرگ و نیستی میکشانند، جنبشی قد علم کرده است که پرچم آزادی و برابری بی قید و شرط انسانها را برافراشته است. این جنبش کارگران و دانشجویان و زنانی است که با شعارهای چپ، رادیکال، آزادیخواهانه و برابری طلبانه به میدان آمده اند. و در اول مه امسال در ایران، کارگران يك گام بزرگ به جلو برداشتند تا در راس این جنبش قرار گیرند.

در تهران، در مرکز سیاسی حکومت سرمایه داران، کارگران با صلابت و قدرت مراسم دولتی در ورزشگاه شیرودی را برهم زدند. رو در روی محجوب و جهرمی و پاسداران حکومت سرمایه ایستادند. موج جمعیت کارگری روی خرابه های این مراسم دولتی رژه رفتند. شعارهایی که داده شد، پلاکاردها و پرچمهایی که حمل شد حاکی از نفرت این جمعیت از سرمایه و اوباش اسلامیش، حاکی از عزمشان برای تغییر وضع موجود بودند: در میان فریاد "مرگ بر این حامی سرمایه دار"؛ فریاد "آزادی، برابری، این است شعار مردمی"؛ دو شعار به نحو برجسته ای نشان از آغاز و گسترش حضور رادیکال کارگران در صحنه سیاسی جامعه بود: در این تظاهرات پلاکارد "انرژی هسته ای نمیخواهیم"؛ برافراشته شد و در این تظاهرات شعار "آزادی برابری حکومت کارگری" ابراز وجود کرد.

با پرچم بزرگ "انرژی هسته ای نمیخواهیم"، کارگران حرف دل دیگر مردم جهان را در آتش مذهب پرستی و قوم پرستی و راسیسم و نابرابری و خفقان به گرسنگی و مرگ و نیستی میکشانند، جنبشی قد علم کرده است که پرچم آزادی و برابری بی قید و شرط انسانها را برافراشته است. این جنبش کارگران و دانشجویان و زنانی است که با شعارهای چپ، رادیکال، آزادیخواهانه و برابری طلبانه به میدان آمده اند. و در اول مه امسال در ایران، کارگران يك گام بزرگ به جلو برداشتند تا در راس این جنبش قرار گیرند.

در تهران، در مرکز سیاسی حکومت سرمایه داران، کارگران با صلابت و قدرت مراسم دولتی در ورزشگاه شیرودی را برهم زدند. رو در روی محجوب و جهرمی و پاسداران حکومت سرمایه ایستادند. موج جمعیت کارگری روی خرابه های این مراسم دولتی رژه رفتند. شعارهایی که داده شد، پلاکاردها و پرچمهایی که حمل شد حاکی از نفرت این جمعیت از سرمایه و اوباش اسلامیش، حاکی از عزمشان برای تغییر وضع موجود بودند: در میان فریاد "مرگ بر این حامی سرمایه دار"؛ فریاد "آزادی، برابری، این است شعار مردمی"؛ دو شعار به نحو برجسته ای نشان از آغاز و گسترش حضور رادیکال کارگران در صحنه سیاسی جامعه بود: در این تظاهرات پلاکارد "انرژی هسته ای نمیخواهیم"؛ برافراشته شد و در این تظاهرات شعار "آزادی برابری حکومت کارگری" ابراز وجود کرد.

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید!

دوره کوتاهی که از فعالیت این سازمان میگذرد اکنون بخش مدرن و سکولار جامعه حداقل فعلاً در سطح آلمان سخنگویان خود را پیدا کرده است و آنها را بزرگ میدارد. اولین تاثیر این کمپین این بود که بلافاصله اسلامیهها و دولت از یک تازی افتادند. اکنون با هر اتفاقی در آلمان و تا حدودی در جهان به سخنگویان این سازمان مراجعه میشود و

مطالبات آنها از طرف دیگر ناچار به تشکیل ائتلاف شده اند. این روند رودررویی مدتی است با شدت ادامه دارد اما هنوز باید تلاش بیشتر و بین المللی تری کرد تا اسلامیهها و کلیسا را به عقب راند. نمونه حرکت ترکیه میتواند جریانات اسلامی را به عقب نشینی وادار کند. *

از صفحه ۴ گفتگو با مینا احدی و ...

اما این جنبش هنوز سخنگویان جسور و روشن بین خود را در مقابل جامعه قرار نداده بود. سازمان "کس مسلم" با کمپین "ما از مذهب رویگردانیم" جوابی به این نیاز جامعه بود. به همین دلیل به محض اعلام موجودیت آن مورد استقبال وسیع رسانه ها و جامعه قرار گرفت. بعد از

انسانگراییانه گرایش پیدا کند. در چند سال اخیر این جنبش "سکولاریستی نو" قابل مشاهده وارد عرصه سیاسی این جوامع شد و مردم عاصی از دست دخالت مذهب و ترس و نگرانی از اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی به تحرک و جنبشی عظیم و اجتماعی امید بستند.

تجمع خانواده دستگیر شدگان در سنندج در اعتراض به دستگیری گسترده فعالین کارگری

نیروهای امنیتی ضربه دیده بود در بیمارستان بستری میشود. اما این جانباوران را بازداشت کرده و مانع معالجه او شدند.

این تاکتیک قدیمی و شناخته شده رژیم اسلامی بوده است که هر از چند سال یک بار طیفی از رهبران و فعالین محبوب مردم را با زندان، شکنجه و فراری دادن آنها به خارج کشور میخواهد کسی از حقوق پایمال شده مردم حرف نزنند. رژیم اسلامی این بار با بازداشت دسته جمعی ۱۳ نفر از فعالین و رهبران کارگری سنندج میخواهد این کارگران را ساکت، و یا فراری بدهد. اما مردم آزادیخواه با شناخت از این سیاست سرکوبگران نباید اجازه

بدهند اینبار رژیم اسلامی در اجرای تاکتیکش موفق شود. باید متحدهانه از راهبران و عزیزان خود حمایت کنیم. نباید اجازه بدهیم تعداد دیگری از چهره های محبوب مردم را مرعوب و یا فراری بدهند. جامعه به این انسانهای آزادیخواه و برابری طلب احتیاج دارد. آنها را باید از چنگ جانباوران اسلامی در آورد. رژیم اسلامی در سراسر سقوط قرار گرفته است با تشدید مبارزاتمان و با اتحاد و همبستگی مان باید هر چه زودتر جامعه را از شر این جانباوران خلاص کنیم.

کمیته کردستان ح
زب کمیونست کارگری ایران

۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۶ - ۳ مه ۲۰۰۷

مردم را دیده است که با عزمی جزم میخواهند حششان را از این رژیم بگیرند. این اتفاقات باعث شده است رژیم اسلامی بر خود بلرزد.

اکنون با این سیاستهای سرکوبگرانه، رژیم اسلامی میخواهد مردم را مرعوب کند. اما شما خانواده ها و مردم آزادیخواه سنندج تا کنون در کنار و در حمایت از رهبران خود از پای ننشسته اید. در این مقطع زمانی مشخص مردم شهر سنندج در بوته آزمایش جدی قرار گرفته است. نباید به رژیم اسلامی اجازه بدهیم که عزیزانمان را بیش از این تحت فشار قرار دهد. باید بدون قید و شرط همه کسانی که بازداشت شده اند آزاد شوند.

رژیم اسلامی تلاش میکند رهبران شما را در زندان نگاهدارد تا به نظر خودش حاکمیت اسلام و سرمایه در جامعه به تحقیر و تحمیل فقر و خفقان بیش از پیش علیه مردم ادامه دهند. ما همه شما مردم آزاده سنندج را فرامیخوانیم که با تشدید و گسترش اعتراضات خود اجازه ندهید عزیزانتان بیش از این در زندان بمانند. باید آنها را از دست این جانباوران اسلام و خدا نجات دهیم. طبق خبر رسیده بازداشت شدگان روز اول مه بعد از ۲۴ ساعت در بازداشتگاه سپاه در ستاد خبری، تشنه و گرسنه بسر برده اند و هیچ گونه مواد غذایی و نوشیدنی دریافت نکرده اند. شیت امانی در حالی بازداشت شد که باید برای معالجه زانویش که در اثر ضرب و شتم

اخراجی و بیکار ایران ۴- اقبال لطیفی ۵- یدالله مرادی ۶- نجمه الدین رجبی ۷- فاروق گویدی ۸- انور مفاخری ۹- صدیق امجدی ۱۰- حبیب الله کلکانی ۱۱- محی الدین رجبی ۱۲- صدیق صبحانی، ۱۳- طیب چتانی از اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت قاطع از خواست تجمع کنندگان برای آزادی



شیت امانی



خالد سواری



صدیق کریمی

همه دستگیر شدگان اخیر، از همه مردم و کارگران مراکز کارگری و تشکلهای مدافع حقوق انسانی میخواهد که با حمایت خود از خواست این خانواده ها، رژیم اسلامی را تحت فشار قرار دهند که همه بازداشت شدگان اخیر را آزاد کند.

کارگران جوانان، زنان، مردم آزاده سنندج!
رژیم اسلامی سرمایه در هراس از اوجگیری اعتراضات بحق شما به بازداشت و تحت فشار گذاشتن رهبران و فعالین کارگری شدت بخشیده است. این تعرضی از سر استیصال و درماندگی است. رژیم اسلامی قدرت شما و جسارت و کاردانی رهبران کارگری و رهبران

عزیزانمان به قصد تجمع به طرف استانداری حرکت کردند. اما در این محل با مانع نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم اسلامی روبرو شدند. خانواده ها بلافاصله تصمیم گرفتند که در مقابل دادگستری سنندج تجمع کنند.

تا رسیدن این خبر بیش از صد نفر از خانواده ها و اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران در مقابل دادگستری سنندج تجمع کرده

طبق اخباری که به کمیته کردستان حزب رسیده است از روز ۱۱ تا ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۶ خانواده های دستگیر شدگان همراه با تعدادی از اعضای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار سنندج هر روز دست به تجمع زده اند. این تجمعات در سه روز متوالی در شهر سنندج در مقابل "ستاد خبری سپاه در سنندج، کلاتری ۱۲ سنندج و دادگستری سنندج بوده است.

خانواده های دستگیر شدگان و مردم سنندج سه روز است که در مقابل ادارات دولتی تجمع میکنند و خواهان آزادی عزیزانشان هستند. اما روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶ نیروهای مستقر در کلاتری ۲ به تجمع کنندگان حمله کردند یک نفر از تجمع کنندگان بازداشت و خانم کریمی، خواهر صدیق کریمی که میخواست بداند برادرش در کدام بازداشت گاه است، را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. طبق تایید پزشک تمام بدنش بر اثر ضرب و شتم نیروهای رژیم اسلامی کبود شده است. روز ۱۲ اردیبهشت هنگامیکه خانم کریمی همراه شیت امانی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران اخراجی و بیکار ایران برای تحویل شکایت علیه مامورین رژیم که او را مورد ضرب و شتم قرار داده بودند به دادگستری مراجعه کردند، همانجا بوسیله نیروهای امنیتی رژیم اسلامی شیت امانی بازداشت روز ۱۳ اردیبهشت در اعتراض به بازداشت



اینها تعدادی از کارگران افغانستانی هستند که در هفته های گذشته مورد ضرب و شتم پلیس جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. یکی از این کارگران در بیمارستان هرات جان سپرد. و حال تعداد زیادی وخیم است. باید در مقابل جنایت حکومت اسلامی سرمایه علیه کارگران افغانستانی ایستاد. مرگ بر جمهوری اسلامی

کنگره ششم حزب در ماه مه برگزار میشود

کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد خواهد بود

اصغر کریمی
رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران
۳ آوریل ۲۰۰۷

علاقتمندان میتوانند برای شرکت در کنگره حزب با آدرس های زیر تماس بگیرند و ثبت نام کنند
دفتر مرکزی حزب

سیامک بهاری
شماره تلفن
0046 739318404

فکس
0046 6489716 8
markazi.wpi@gmail.com
آدرس پستی:
I.K.K:
Box: 2110
127 02 Skårholmén -
Sweden

متحول ترین شرایط سیاسی در ایران برگزار میشود و در آن مسائل مهمی مورد بحث و تصمیم گیری قرار خواهد گرفت. از علاقمندان به حزب و همینطور از همه احزاب سیاسی، رسانه ها و فعالین سیاسی دعوت میکنیم در این کنگره حضور یابند. دفتر مرکزی حزب دعوت نامه هائی برای لیستی از احزاب و سازمانهای اپوزیسیون و رسانه ها برای شرکت در کنگره ارسال خواهد کرد.

کنگره ششم حزب کمونیست کارگری در روزهای ۲۶ و ۲۷ مه برگزار به شکل علنی برگزار میشود و ورود برای همه علاقمندان آزاد است.

علاقتمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب شرکت کنند و از نزدیک با اعضای رهبری و کادرهای حزب و با مکانیزم های تصمیم گیری در اجلاس عالی ترین ارگان حزب آشنا شوند.

کنگره ششم حزب در یکی از

نامه ها

سلام خانم احدی،

متاسفم از اینکه نه انگلیسی نه آلمانی حرف نمی زدم امیدوارم بتوانید مرا بفهمید. من یک دختر الجزایری هستم، سی ساله هستم و مدت‌هاست که در مورد اسلام سوالات بسیاری دارم. روبرتاز شما را در آرت‌ه دیدم و سعی کردم با شما تماس بگیرم. میدانم که شما یک انجمن مشاوره مسلمانان سابق بر پا کرده اید و حتما خود شما هم از این مراحل گذشته اید. من به گفتگو با افرادی چون شما نیاز دارم. آیا شما یک سایت دارید؟ آیا یک فروم مباحثه دارید؟

میدانم که خیلی کار دارید، اما امیدوارم که به من جواب بدهید.

با صمیمیت تمام
اصل تواتی

دوست عزیز شهلا دانشفر

برنامه های تلویزیون انترناسیونال را می بینم. برنامه های بسیار جالبی است. چرا روی هات برد نمیروید. باور کن در شرایط امروز اگر تلویزیون شما ۲۴ ساعته بود، امروز ما در موقعیت بسیار بهتری بودیم. اگر به من نخبندید شاید هم انقلاب میشد.

بارید صمیمی

بارید عزیز سلام

از توجه شما به تلویزیون و برنامه های آن متشکرم. ما قبلا هم اعلام کرده ایم که برنامه های ما روی هات برد خواهد رفت. تلویزیون ما تلویزیونی است که تلاش دارد صدای حقیقت و صدای انسانیت باشد. تلویزیون ابزار دسترسی ما به جامعه است. بنابراین ۲۴ ساعته بودن آن برای اینکه بتوانیم در بعدی میلیونی صدای خود را به جامعه برسانیم و در مبارزه هر روزه مردم نقش داشته باشیم. بسیار مهم است. تمام تلاشمان این است که این کار بزودی متحقق شود.

با سلام و تشکر از جواب نامه، خانم دانشفر من اکنون در رشته ای تخصصی درس میخوانم. تا کنون موفق به مطالعه نشریات حزب نشده ام. به نظر من بهتر است تا حزب کمونیست کارگری را به میان مردم ببریم و بیشتر از پیش مردم را با اهداف و نیت حزب آشنا کنیم که در این مورد هم میتوانم کمک موثری

باشم.

ورگا آریان

دوست عزیز ورگا متشکرم که پاسخ نامه من را دادید و به سئوالاتی که طرح کرده بودم پاسخ دادید. از شما میخواهم که دقت کنید در نامه هایتان اطلاعات مشخص از خودتان و دوستانتان ندهید تا مشکلی برای شما ایجاد نشود. من هم با تاکید شما بر شناساندن حزب در جامعه موافقم و راستش در اوضاع سیاسی امروز این کار حیاتی است. با این کار یک معلم، یک کارگر و یک انسان آزادیخواهی که مبارزه میکند، افق و چشم انداز روشنی از مبارزه و راه برون رفت از اوضاع کنونی را می یابد. شما حتما میتوانید در این زمینه نقش موثری داشته باشید. انتظار اولیه ما از هر عضو و انسان کمونیستی که به این حزب می پیوندد، همین است که حزب را به مردم بشناساند. انسانهای هر چه بیشتری را مثل خود کمونیست کند و به حزب جذب نماید. نوشته ها و مطالب حزب را وسیعا بدست دیگران برساند. شعارها و سیاستهای حزب را بدهن جامعه ببرد و بدین ترتیب مهر سیاسی ما کمونیست ها را بر سیر تحولات جاری بکوبد و نماینده حضور قدرتمند حزب در محل باشد.

طبعاً لازمه ایفای چنین نقشی ارتباط فعال با ماست. در ارتباط منظم با ما باشید. برایمان اخبار و گزارش بفرستید. ما را در جریان مسایل مبارزاتی ای که در محل پیش می آید قرار دهید. نشریات و تلویزیون حزب را به دیگران معرفی کنید. ما اسم شما را در لیست هزاران نفره خود میگذاریم و امیدوارم که بعد بطور مرتب نشریات را دریافت کنید. اگر از دوستان و آشنایانتان آدرس ای میل دارید برای ما بفرستید تا اسامی آنها را نیز در لیست ارسال نشریات خود بگذاریم و برایشان نشریات و کتب منتشر شده حزب از جمله آثار و نوشته های منصور حکمت را که در واقع حاوی مبانی پایه ای کمونیسم کارگری است برایشان ارسال کنیم. بازم از شما تشکر میکنم و من و همکارم سوسن صابری منتظر نامه های بعدی شما هستیم.

شهلا دانشفر

جناب سرکار خانم سهیلا شریفی با سلام

برنامه جذاب شما را دیده و استفاده فراوان نمودیم. (اشاره به برنامه سهیلا در تلویزیون انترناسیونال) حق با شماست باید از کارگران، زنان، معلمان، کارمندان و دانشجویان حمایت کرد تا نتیجه مطلوب را گرفت. ولی ما از شما پیشکسوتان توقع داریم یادی هم از روحانیت غیر سیاسی که حکومت دینی را مردود میدانند، بکنید. شما بهتر میدانید ظلم مضاعفی بر قشر روحانیت مخالف حکومت، شده است. آیت الله سید حسین کاظمینی بروجردی که اغلب پیروان ایشان را از بقال گرفته تا معلم، دانشجو، کارگر و زنان، تشکیل میدهند که به مخالفت دین سیاسی اقدام نموده اند که منشاء تمام بدبختی از همین دین سیاسی میباشد. ولی کسی تا کنون حتی نامی از آنان نیاورده است چه برسد به حمایت! ما از شما تقاضا داریم که شما بزرگواران یادی از این مبارزین کنید و ما در راه مبارزه و آزادی وطن دست شما را میفشاریم.

با تشکر

مقلدین آیت الله بروجردی از شیراز

ضمن تشکر از نامه و اظهار لطف این بیننده عزیز می خواستم خیلی مختصر توضیح دهم که چرا از هیچ نوع روحانیت، چه نوع مبارز، چه غیر سیاسی، چه سیاسی، چه آنهایی که عطر و ادکلن می زنند و چه آنهایی که ریش و عبا و عمامه دارند حمایت نمی کنم و توصیه می کنم هیچکس دیگر هم اینکار را نکند.

می دانم گروههایی در میان همه مذاهب هستند که فکر می کنند مذهب باید از دولت و سیاست جدا باشد و در قوانین کشور دخالتی نداشته باشد اما در عین حال بعنوان بخشی از زندگی اجتماع باقی بماند، در مدارس تدریس شود، در مساجد و کلیساها آموزش داده شود و بر فرهنگ و روش زندگی مردم تاثیر بگذارد. الگوی کسانی که اینطور فکر می کنند چیزی کمابیش شبیه انگلستان و کشورهای دیگر اروپائی است. هر چند که من آنچه را در آمریکا و انگلستان و کشورهای غربی پیش می رود اصلاً کافی نمی دانم و هنوز فکر می کنم مذهب در این کشورها بیش از اندازه در زندگی اجتماعی مردم دخالت می کند و مخصوصاً تدریس مذهب در مدارس را نادرست و غیر اصولی می دانم و فکر می کنم جامعه سکولار باید از

هر نوع ابراز وجود مذهب در محیطهای کار و زندگی اجتماعی مردم جلوگیری کند، اما بگذارید که همین اندازه تجدد طلبی را هم از طرف قشر روحانیت به فال نیک بگیریم و به حسن نیت آن باورم کنیم و آنگاه سوالي که پیش می آید این است خوب اگر با دخالت دین در سیاست مخالف هستید و بر علیه آن مبارزه می کنید چه ضراری دارید این مبارزه را به اسم روحانیت متشکل انجام دهید؟ اگر فکر می کنید که دین باید به امر خصوصی افراد تبدیل شود و هیچ نقشی در زندگی سیاسی جامعه نداشته باشد چرا خود شما در لباس مذهبی و با عمامه هایتان در سیاست ظاهر می شوید؟ چرا خودتان از الگویی که برای جامعه دارید پیروی نمی کنید و مذهبتان را برای خودتان نگه نمی دارید و همراه دیگران و هممشکل با دیگران به اعتراض مردم نمیروید؟ همراه دیگران به خیابانها نمی آید و بر علیه حکومت مذهبی مبارزه نمی کنید؟

مگر اینکه اصرار داشته باشید که ثابت کنید که تصور عمومی در مورد اسلام بعنوان یک جنبش تروریست و ارتجاعی و ضد بشری نادرست است و بخواهید نشان دهید اسلام می تواند مترقی و تجدد طلب باشد. در اینصورت باید به اطلاعاتان برسانم که شما و آیت الله بروجردی نه تنها تنها نیستید بلکه خیل وسیعی از خاتمیها و شیرین عبادیها و اصلاح طلبان درون و بیرون حکومت و توجیه گران اسلام در سطح دنیا با شما هستند. در بهترین حالتش همانطور که گفتیم یک روحانی غیر سیاسی چیزی مانند اسقفها و کشیشهای انگلیسی می شود که هر روز به مدارس می روند و به بچه های مردم خرافات یاد می دهند، به آنها می گویند که خدا زمین و زمان را در شش روز خلق کرده است و زن را از دنده چپ آدم آفریده است. این شاید بی آزار ترین شکل ابراز وجود مذهب در دنیای کنونی باشد و اگر به همه اینها وجود جنبش اسلام سیاسی، سنگسار و بریدن دست و پا و کشتار مردم بی گناه را اضافه کنیم می توان

به ابعاد بسیار وحشتناک تاثیرات مذهب در جوامع بشری پی برد. و آنوقت من می پرسم چرا انسان باید برود و از این اقشار دفاع کند، در حالی که جنبشهای انساندوستانه و آزادیخواهانه و سکولار در دنیا فراوان است.

خوب می دانید که مردم ایران از هر چه آخوند و روحانیت است چه آندسته که "مبارز و غیر سیاسی" هستند و چه آنهایی که سیاسی و حکومتی هستند، منتفرند، و چرا نه؟ بعد از گذشت نزدیک به سه دهه از حکومت سیاه مذهبی مردم حق دارند از هر چه مذهب و دین هست منتفر باشند و نمایندگان این مذاهب یعنی امامان و آیت الله ها را منفور بدانند. تا زمانی که اسلام در صحنه سیاسی است (چه در حکومت و چه بعنوان یکی از نیروهای سیاسی جامعه) خلاصی از خرافه و ارتجاع و جلوگیری از دخالت آن در زندگی مردم کاری غیر ممکن خواهد بود و اگر قرار باشد مردم بخواهند از شر این بلای اجتماعی رها شوند و دنبال آلترناتیوی برای یک زندگی بهتر باشند باید مذهب را به کنج مساجد رانده و آنرا بیش از پیش از صحنه زندگی اجتماعی دور کنند.

سیاوش آذری عزیز

مقاله ات در رابطه با سالگرد تولد مارکس تحت عنوان "بازگشت مارکس" دریافت شد. از این مقاله خوب و خواندنی در شماره های بعدی انترناسیونال استفاده خواهد شد. دست و قلمت درد نکند.

محسن ابراهیمی

دوست گرامی، هوا تازه

نامه ات در باره اینکه در اطلاعاتیه تلویزیون انترناسیونال، زمان تکرار پخش برنامه ها اشتباها ۱۱ و نیم تا ۱۲ و نیم اعلام شده است رسید. در اطلاعاتیه ای که در همین شماره درج شده است این اشتباه تصحیح شده است.

با تشکر فراوان از احساس مسئولیت شما

توضیح در باره صفحه نامه ها

در این صفحه گزیده ای از نامه هایی که به رهبری حزب و انترناسیونال میرسد درج خواهد شد. لطفاً نامه های مورد نظرتان را در فرمت word تایپ کرده و پیش از روز چهارشنبه ساعت ۱۰ بوقت اروپای مرکزی به آدرس انترناسیونال ارسال کنید. انترناسیونال

اطلاعیه شماره ۳۴، اعتراض معلمان

معلمان در تجمعات سراسری امروز خواهان آزادی همکاران خود شدند

معلمان در روزهای آینده نیز دست به اعتصاب و تجمع خواهند زد
بسیاری از مدارس راهنمایی و دبیرستان در اعتصاب هستند

امروز ۱۲ اردیبهشت روز معلم بنا به قرار قبلی دست به اعتصاب زدند و در مقابل ادارات آموزش و پرورش در شهرهای مختلف تجمع کردند. معلمان خواهان آزادی فوری همکاران خود، لغو احکام انفصال از خدمت و پاسخگویی به مسائل خود شدند.

در تهران حدود ششصد نفر از معلمان از ساعت ۹ صبح مقابل ساختمان آموزش و پرورش تهران دست به تجمع زدند و با شعار معلم زندانی آزادی باید گردد به جمهوری اسلامی اعتراض کردند. در این تجمع معلمان اعلام کردند که اگر معلمان زندانی آزاد نشوند، روز شنبه ۱۵ اردیبهشت در مقابل دادگاه انقلاب واقع در خیابان شریعتی نیش خیابان معلم تجمع خواهند کرد.

اگر باز هم پاسخ نگیرند از روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت هرروزه در مقابل ساختمان آموزش و پرورش جمع خواهند شد. نیروهای انتظامی در محل بودند اما تا لحظه دریافت گزارش درگیری صورت نگرفته است. بسیاری از مدارس راهنمایی و دبیرستان تهران و برخی شهرستانها امروز در اعتصاب به سر میبرند.

در کرمانشاه، از ساعات اولیه صبح امروز بیش از ۲۰۰ پلیس خیابانها و کوچه های منتهی به اداره آموزش و پرورش را محاصره کرده اند تا از حضور معلمان جلوگیری کنند.

با اینهمه بنا به گزارش گزارشگر حزب در ساعت ۱۰ صبح حدود ۱۰۰ نفر از معلمان در کنار پارک معلم جمع شده اند تا به مقابل اداره آموزش و پرورش بروند. بنا به این

حزب کمیونسٹ کارگری ایران
۲ مه ۲۰۰۷، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ابراز وجود قدرتمند و رادیکال کارگران در اول مه علیه جمهوری اسلامی در تهران کارگران مراسم خانه کارگر را بهم زدند و دست به راهپیمایی زدند "آزادی برابری حکومت کارگری" یکی از شعارهای کارگران بود

مردمی امروز ۱۱ اردیبهشت اول مه، تهران شاهد قدرت نمایی کارگران علیه جمهوری اسلامی و خانه کارگرپهای رژیم بود. بنا به گزارش رسیده به حزب حدود ۷ هزار نفر از کارگران در استادیوم شیروزی شرکت کردند و عموماً علیه خانه کارگرپها و با شعارهای رادیکال انزجار خود را از پادوهای رژیم نشان میدادند. مراسم دولتی فقط نیم ساعت ادامه پیدا کرد. از همان ابتدا با سخنرانی محجوب دبیر کل خانه کارگر، کارگران او را هو کردند و شعار میدادند "مرگ بر حامی سرمایه دار"، "کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد". محجوب مجبور شد سخنرانی خود را کوتاه کند. او هنگامی که بناچار از پشت میکروفن پایین آمد مورد اعتراض و انزجار کارگران قرار گرفت و کارگران او را کتک زدند. خانه کارگرپها مجبور شدند مراسم خود را با دستیابی تمام کنند و نیروهای انتظامی تلاش کردند کارگران را به خانه بفرستند. اما کارگران پس از بهم زدن مراسم دولتی، در صفی واحد و بزرگ که هفت تا هشت هزار نفر را در برمیگرفت بطرف میدان ۷ تیر دست به راهپیمایی زدند. در مسیر راهپیمایی کارگران مرتب شعار میدادند. فضای رادیکال و چپ بر کل تجمع و راهپیمایی حاکم بود. طنین شعارهای کارگران تا فاصله زیادی انعکاس می یافت و بر فضای شهر تاثیر ویژه ای گذاشته بود. شعارهای کارگران از جمله اینها بود: آزادی برابری اینست شعار

کارگر زندانی آزاد باید گردد
زندگی شایسته انسان حق ماست
آزادی برابری حکومت کارگری
محمود صالحی آزاد باید گردد
مرگ بر حامی سرمایه دار
کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد
کارگر معلم اتحاد اتحاد
جهرمی جهرمی استعفا استعفا
وزیر بی لیاقت استعفا استعفا
اعتصاب تشکل حق ماست
معلم معلم حمایت میکنیم
کارگر، دانشجو معلم اتحاد اتحاد

اتحاد قرارداد موقت ملغا باید گردد
افزایش دستمزدها اعلام باید گردد
افزایش دستمزدها ده درصد تورم صد درصد
نان مسکن آزادی

بر روی پلاکاردها شعارهای دیگری نیز نوشته شده بود. پلاکاردهای افزایش دستمزد به نحو برجسته ای بچشم میخورند. راهپیمایی کارگران در چندین نقطه با مانع نیروهای انتظامی مواجه شد اما کارگران قاطعانه در برابر مزدوران حکومت ایستادند و با آنها مقابله کردند و آنها را کتک زدند. تعرض کارگران به نیروهای رژیم آنها را در موقعیت دفاعی قرار داده بود و جرات حمله گسترده را به آنها نمیداد. در چند مورد که مامورین میخواستند کارگرانی را که شعار میدادند دستگیر کنند قادر به انجام این کار نشدند و با تعرض کارگران مواجه شدند. هر تظاهر کننده ای را

حزب کمونیست کارگری اول مه رادیکال کارگری در تهران را به همه کارگران شادباش میگوید. جمهوری اسلامی علیرغم به رسمیت شناختن روز کارگر تمام تلاش خود را به کار برد که از ابراز وجود مستقل کارگران جلوگیری کند و امروز گوشه ای از قدرت کارگران را چشید. اول مه امسال یک حرکت آشکارا چپ و سوسیالیستی از جانب کارگران بود. اول مه امسال طلیعه به میدان آمدن صف متحد و سراسری کارگران با شعارهای سوسیالیستی و حکومت کارگری است. صفی که در اولین گام حکومت اسلامی سرمایه داران و کل بساط جهنمی طبقه حاکم را جارو خواهد کرد.

مرک بر سرمایه داری
آزادی برابری حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمیونسٹ کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶ - ۱ مه ۲۰۰۷

برنامه های تلویزیون انترناسیونال

برنامه های انترناسیونال همه روزه، تا راه افتادن تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در شبکه هات برد، از ساعت ۳ و نیم تا ۴ و نیم عصر به وقت تهران (۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی، ۵ تا ۶ صبح به وقت لس آنجلس) از کانال یک پخش میشود.

این برنامه هر روز از ساعت ۱۰ و نیم تا ۱۱ و نیم ظهر به وقت ایران، ۱۲ تا ۱ نیمه شب به وقت لس آنجلس، ۹ تا ۱۰ صبح به وقت اروپای مرکزی تکرار میشود.

آدرس کانال جدید:

برای تماشای برنامه از طریق اینترنت: <http://www.newchannel.tv/>

برای تماشای مستقیم: <http://www.channelonetv.com/>

شماره تلفن تماس با کانال جدید: 001-323 284 42 82